

تغییر و تحریف و هر نوع دستکاری در اسامی اصیل جغرافیائی - بهر دلیل و عذر و بهانه که می‌خواهد باشد - نه تنها زشت و ناپسند است بلکه چون سبب گمراهی نسل‌های آینده و آشفتگی در پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی می‌شود گناهی نابخشودنی است.

در این زمینه ماجرای تغییر و تحریف اسم دریائی که فلات ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌سازد و از طریق تنگه هرمز با آنچه امروزه دریای عمان و اوقیانوس هند نامیده می‌شود متصل می‌گردد آموزنده و عبرت‌انگیز است. آنچه در بخش اول این گزارش و آنچه به دنبال خواهد آمد نشان می‌دهد چگونه تغییر اسم باستانی خلیج فارس و اوقیانوس هند، توسط اسکندر مقدونی و جانشینان او، دانشمند معتبر و بلند آوازه و استاد مسلم تاریخ علم، یعنی جورج سارتن، را به اشتباه انداخته و وادار به نتیجه‌گیری خطا می‌کند.*

* متأسفانه باید پذیرفت که اسکندر مقدونی و جانشینان او آگاهانه و از روی قصد و عمد در زمینه گمراه کردن آیندگان و آشفتن اندیشه و یاد نسل‌های آینده اقدام می‌کرده‌اند. کنت کورث مورخ دیگر روزگار باستان به هنگام شرح این که چگونه سپاه اسکندر سرانجام جانشان از ماجراجویی اسکندر به لب رسیده و از همراهی بیشتر با او در لشکرکشی به دره رود گنگ پرهیز می‌کنند. اسکندر پیش از آنکه مجبور به بازگشت شود دستوراتی می‌دهد. کنت کورث می‌گوید:

در مقدمه و بخش اول این گزارش آمد که اسکندر مقدونی و جانشینان او هر چه توانستند کوشیدند اسامی باستانی جغرافیائی سرزمین‌های شاهنشاهی هخامنشیان، را عوض و تحریف کنند. دلیل مثبت این مدعا نوشته استرابو در این باره است، می‌گوید:

اریستابولس رودی را که از سفدیانا می‌گذرد [= جیحون] پولی تمیتوس می‌نامد. این اسم را یونانیان تحمیل کردند همان گونه که اسم‌های جغرافیائی فراوان دیگری را تحمیل کردند. پاره‌ای از مکان‌ها را با اسم‌های نوین نامگذاری کردند و در املا و طرز نوشتن بسیاری اسم‌های دیگر دست بردند.^۱

در بخش اول این گزارش گفتیم که استرابو از زبان جغرافیایان یونانی دیگر، اکاتارخیدس، نقل کرده است که اسم اصیل خلیج فارس دریای اریه‌تره بوده و به نام کسی که نخستین بار در جزیره‌های این دریا دست به آبادانی زد اسم‌گذاری شده بود. حال یادآور یادداشت‌های جورج سارتن متخصص برجسته تاریخ علم در کتاب «مقدمه تاریخ علم از هومر تا خیام» درباره‌ی اکاتارخیدس می‌شویم. سارتن می‌نویسد:

اکاتارخیدس آثار تاریخی و جغرافیائی متعددی می‌نوشت که گرانبهاترین اثرش درباره‌ی دریای اریتره و کشورهای ساحلی آن بحث می‌کند.^۲

چند صفحه بعد سارتن در ضمن شرح احوال اکاتارخیدس می‌نویسد: اکاتارخیدس کنیدوسی در ربیع دوم قرن در اسکندریه بر آمد. جغرافیادان، مورخ و راهنما. مهمترین اثر او برای

او [= اسکندر] دستور داد تا بر ابعاد استحکامات پادگان به گونه‌ای اغراق‌آمیز بیفزایند. مخصوصاً اصرار ورزید تا جای خواب‌های بسیار بزرگ‌تر از اندازه آدم‌های معمولی بسازند و در آن نقطه به جا گذارند تا این که، با اغراق در ابعاد همه چیز، موجبات فریب و حیرت نسل‌های آینده فراهم آید.

کنت کورث، تاریخ اسکندر، جلد دوم، فصل نهم، بند سوم، فقره نوزدهم. از مجموعه دو زبانه (انگلیسی - لاتین) انتشارات لوب، چاپ ۱۹۸۵، دانشگاه هاروارد.

۱. جغرافیای استرابو، ترجمه فارسی، جلد یازدهم، فصل یازدهم، بند پنجم، صفحه ۴۱، از انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۲.

۲. سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، صفحه ۲۳۳، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، تهران ۱۳۵۳.

THE PERIPLUS OF THE ERYTHRÆAN SEA

TRAVEL AND TRADE IN THE INDIAN OCEAN
BY A MERCHANT OF THE FIRST CENTURY

TRANSLATED FROM THE GREEK AND ANNOTATED

BY

WILFRED H. SCHOFF, A. M.

Secretary of the Commercial Museum, Philadelphia



*Oriental Books Reprint Corporation
54, Rani Jhansi Road, New Delhi-110055*

ما نوشته‌ایست درباره‌ی دریای اریتره که اطلاعات جغرافیائی و نژادشناسی گرانبھائی راجع به اتیوپی و عربستان دارد، مثلاً شرح کانهای طلای اتیوپی و ماهیخواران کرانه‌های عربستان...^۱ اما در بخش اول این گزارش آوردیم که خود اکاتارخیدس می‌گوید:

«با توجه به آنچه گفته شد باید تشخیص داد که دریای اریتره Erythrean با دریای اریتره (= قرمز) Brythra تفاوت دارد. یکی یادگار بلند آوازه‌ترین مرد آن دریاست. دیگری اشاره به رنگ آب. این که دریائی را به نام رنگ غیر واقعی آن دریا بخوانند نادرست است. اما آن اسم دیگر که دریا را به نام شخصی که در آنجا فرمانروائی می‌کرد بنامند درست است.»^۲

آنجائی هم که سارتن می‌نویسد:

اطلاعات گرانبھائی راجع به اتیوپی و عربستان دارد مثلاً شرح کانهای طلای حبشه و ایختوفاگیه [= ماهیخواران] عربستان.

در کتاب جغرافیای استرابو شاهد ارائه همین گونه اطلاعات درباره‌ی معادن طلای هند و اینکه مردم جنوب هند شبیه به مردم اتیوپی [حبشه‌اند] هستیم و سواحل بحر عمان و خلیج فارس را سرزمین ایختوفاگیه می‌خواند:

مثلاً می‌گوید:

اما دربارهی مردم هند آنان که در جنوب زندگی می‌کنند هم‌رنگ مردم حبشه‌اند و از هر حیث به آنان شباهت دارند مگر از بابت مو. کسانی که در شمال هند می‌زیند همانند مصریان‌اند.^۱
و یا:

بعد از هندوستان اریانا قرار دارد. نخستین بخش از سرزمین‌های تحت تصرف ایرانیان بعد از رود سند... اریانا نخست زیستگاه اریبی‌هاست... کرانه سرزمین اریبی‌ها هزار استاد یا طول دارد... سپس ایختوفاگیه است که ۷۴۰۰ استاد یا طول دارد. طول ساحل از کرمانیا تا پارس ۳۷۰۰ استاد یاست. درازی این کرانه رویهم ۱۲۹۰۰ استاد یا است... سرزمین ایختوفاگیه هم سطح دریاست... مردم و دام آنان با ماهی سد جوع می‌کنند... گوشت احشام آنان مزه و بوی ماهی می‌دهد... مصالحتی که در بناهای خود بکار می‌برند بیشتر استخوان وال و پوسته‌ی صدف است. از دنده‌های وال برای سقف و ستون و از ستون و از استخوان دهان آن برای چهارچوب در استفاده می‌کنند. استخوان حفره‌های ستون فقرات وال را چون هاون بکار می‌برند. گوشت ماهی را در آفتاب خشک می‌کنند و در این گونه هاون‌ها می‌کوبند و با کمی آرد مخلوط کرده و از آن نان می‌سازند... ماهی را گاهی در ظرف‌های سفالی سرپوشیده می‌پزند اما اغلب خام می‌خورند. برای ماهیگیری از جمله تورهایی را که با الیاف درخت خرما بافته‌اند بکار می‌برند... گذروزیه بالای سرزمین ایختوفاگیه قرار دارد.^۲

پس می‌بینیم، در سده‌ی چهارم پیش از میلاد، اسکندر مقدونی و جانشینان او اسم دریائی که کرانه‌های جنوبی فلات ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌سازد عوض می‌کنند و این تغییر نام سبب می‌شود تا در سده بیستم میلادی دانشمندی چون جورج سارتن از نوشته اکاتارخیدس نتیجه غلط گرفته و آگاهی‌هایی درباره‌ی خلیج فارس و اوقیانوس هند امروزی را به دریای اریتره یا قرمز منسوب دارد.^۳

آشفته‌گی ناشی از این تغییر و تحریف اسم جغرافیایی، در کتاب «مقدمه بر تاریخ علم» به همین یک مورد نیز محدود نیست. جورج سارتن همین نتیجه‌گیری غلط را در مورد دانشمند ستاره‌شناس بابلی تکرار کرده و می‌نویسد:

سلیوکوس بابلی در حوالی نیمه‌ی قرن (؟) بر ساحل دجله برآمد. یکی از نخستین و مسلماً آخرین نفر از قدما است که نظریه اریستاخورس را درباره‌ی چرخش شبانه‌روزی زمین [= حرکت

۱- جغرافیای استرابو، ترجمه فارسی - ۱۳ - ۱ - ۱۵.

۲- جغرافیای استرابو. ترجمه فارسی ۱ - ۲ - ۱۵ و ۲ - ۲ - ۱۵ و ۳ - ۲ - ۱۵.

۳. جغرافیای استرابو، ترجمه فارسی انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار، صفحه ۳۳۵.

وضعی] و حرکت آن به دور خورشید [= حرکت انتقالی] دنبال کرد. در این مورد حتی از استادش مثبت تر بود. او جزر و مد را ناشی از مقاومت ماه بر اثر چرخش شبانه‌روزی جو زمین دانست. او نابرابری متناوب جزر و مد را در دریای سرخ [!!!] کشف کرد و آن را مربوط به موضع ماه در منطقه البروج دانست. (استرابو، کتاب سوم، فصل پنجم، بند سوم).^۱

در این مورد نیز به احتمال قریب به یقین مراد استرابو خلیج فارس امروزی بوده و نه آن دریا که امروز دریای سرخ یا بحر احمر نامیده می‌شود. دلیل این مدعا گفته استرابو در جای دیگر کتاب جغرافیاست که می‌گوید:

«در بابلستان آبادی ویژه‌ای برای فیلسوفان است که کلدانیان خوانده می‌شوند. اینان بیشتر به دانش نجوم می‌پردازند... اهل ریاضیات اسامی چند نفر از اینان را می‌شناسند. مانند کیدناس، نابوریانس، سودنیاس. سلوکوس سلوکیه‌ای نیز از کلدانیان است.

یکی از جالب‌ترین و باستانی‌ترین تألیفات درباره‌ی اوقیانوس هند امروزی رساله‌ای است که ناخدای گمنام رومی در سده‌ی اول میلادی با عنوان راهنمای دریای اریه‌تره (۷) تألیف کرده است. رساله مزبور تا به حال به چندین زبان زنده ترجمه شده و همراه با تعلیقات و یادداشت‌های فراوان انتشار یافته است از جمله به زبان انگلیسی که صفحه عنوان آن در اینجا آورده می‌شود.

افزون بر قرائن و شواهد و مدارک بازمانده از روزگار باستان که حکایت دارد دریائی که سواحل جنوبی فلات ایران را از شبه جزیره عربستان جدا کرده و سواحل شبه قاره هند را در بر می‌گیرد دریای اریه‌تره نام داشته است، مطالعات و پژوهشهای انجام شده در آغاز سده‌ی بیست و یکم میلادی نیز موید این مطلب است.

در سال ۲۰۰۰ میلادی دانشگاه‌های اکسفورد و هاروارد با همکاری یکدیگر اطلس جغرافیائی از دنیای یونانی و رومی منتشر ساختند. هزینه تحقیق و ترسیم و تألیف این اثر عظیم را بیش از پنجاه مؤسسه خیریه فرهنگی تأمین کردند. چون بیشترین سهم را در این هزینه‌ها بنیاد بارینکتون پرداخت به نام اطلس بارینکتون از دنیای یونانی و رومی مشهور شده است. بیش از یکصد دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی که اسامی آنها در آغاز اطلس بارینکتون آمد در تهیه این اطلس جغرافیائی بی‌نظیر شرکت داشته‌اند. از دیدگاه آنچه در این گزارش آمد یکی از جالب‌ترین جوانب اطلس مزبور این است که در سر تا سر نقشه‌های جغرافیائی اطلس مزبور هر جا که در نقشه اسم خلیج فارس و اوقیانوس آمد. اصطلاح «دریای اریه‌تره» نیز در پراکنش آورده شده است.